



۲۰۱۵/۱۲/۳۰

محمد نسیم اسیر
ملک الشعراء افغان ها در غربت

مذهبِ عشق!!!

همان سوز و همان تاب و تب ما
لب لعل تو جان ماست، ای کاش
ز ما از کفر و دین دیگر می‌رسید
به جز وصلش دگر مطلب ندارم
ترا چون بت پرستش مینمایم
به بزم هوشیارانم مجوئید
مقام دیگری میداشت مجنون
کم از دیشب نباشد امشب ما
که جان ما بیاید، بر لب ما
که کفر عشق باشد مذهب ما
که می‌گوید به جانان مطلب ما
که نشنیدند، یارب یارب ما
که معلوم است جاه و منصب ما
اگر میخواند، درس مکتب ما

«اسیر» از هجر روی خوبرویان
پریشان است روز ما، شب ما

م. نسیم اسیر - کابل، ۵ اسد ۱۳۳۰ ش